یادداشت روز

نیاز به معماری جدید روابط ایران با حوزه عربی

سعدالله زارعی

روابط ایران با حوزه عربی نیازمند تحول است و ظرفیت‌هایی وجود دارد که این تحول را ممکن می‌کند. اگر در میان کشـــورهای عربی، دولت‌های سعودی، مصر، امارات و بحرین بر عدم حضور ایران در حوزه عربی تأکید دارند، کشورهایی هم هستند که بر بهبود روابط حوزه عربی با ایران اصرار می‌کنند. در میان کشورهای عربی، دسته سومی هم وجود دارند که نسبت به برقراری یا توسعه روابط با ایران علاقه‌مند هستند اما دسته‌بندی کشورهای عربی به مخالف و موافق ایران، آنان را در شرایط انتظار قرار داده است. از سوی دیگر اگر به صفحه منطقه عربی در غرب آسیا و در شمال آفریقا نگاه بیندازیم، درمی‌یابیم که هیچ دلیل روشنی بر خصومت بین کشورهای عربی و ایران وجود ندارد. در این میان مهندسی نوعی از دیپلماسی از سوی ایران می‌تواند شرایط موجود میان ایران و حوزه عربی را دگرگون کند. در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد:

۱- منطق سیاسی حکم می‌کند کشورهای یک منطقه و پیروان یک دین به صورت قطعی به هم همبسته باشند و شکاف و نقار میان آنان، عارضی اســـت و نوعاً به عامل خارجی مربوط می‌شود. در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، حوادث آن همه اعضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ خواه این حوادث و رخدادهای سازنده و ایجابی و خواه مخرب و سلبی باشند. ما در سال‌های اخیر مشاهده کردیم که پدیده گروه‌های تکفیری که ساخته و پرداخته سازمان‌های اطلاعاتی بودند و فقط رنگ دینی و مذهبی داشتند، همه کشورهای اسلامی را تحت تأثیر قرار دادند. در ایـــن میان فقط بعضی از دولت‌ها که هدف‌گذاری گروه‌های تکفیری از ســـوی سازمان‌های اطلاعاتی غربی را به نفع خود ارزیابی می‌کردند تا مدتی با این موج همراهی کردند. آنان گمان می‌کردند موج تکفیر فقط کشورهای رقیب آنان را آسیب می‌زند و یا گمان می‌کردند می‌توانند از آن برای تغییر روند منطقه بهره‌مند شوند. اما اکثر همین دسته از دولت‌ها هم به زودی دریافتند که این موج موقعیت همه کشورهای اسلامی را تضعیف می‌کند و فقط به نفع دشمنان مشترک آنان - رژیم صهیونیستی و... - است. از این رو بود که این دولت‌ها هم سعی کردند حساب خود را از گروه‌های تکفیری جدا کنند. نمونه دیگر اقدام آمریکا در حمله نظامی به دو کشور مسلمان -افغانستان و عراق- و تهدید چند کشور اسلامی دیگر بود که به ضرر همه کشـــورهای اسلامی بود و البته در این بین بعضی از کشورهای عربی -شامل سعودی- به گمان اینکه این جنگ‌ها روند منطقه را به نفع آنان تغییر می‌دهد با آنها همراهی کردند. اما زمان زیادی نگذشت که آنان نیز به صف مخالفان این دو جنگ پیوستند و متوجه این واقعیت که این جنگ‌ها به «ضرر همه» است، شدند. منطقه ما در این ســـه دهه از این ماجراها بسیار به خود دیده است و از این رو به نوعی عقلانیت سیاسی رسیده است.

در طول دهه‌های اخیر تلاش زیادی صورت گرفته اســـت تا نوعی اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی، مقاومت‌هراسی، ایران‌هراسی و سپاه‌هراسی، جای هراس از برنامه‌های مخرب آمریکا و رژیم صهیونیستی را بگیرد. این موج‌ها با شدت تمام به راه افتادند تا کشورهای این منطقه اسلامی را به یک جبهه‌بندی در مقابل هم برسانند و نیروی مسلمانان را تحلیل ببرند. این موج‌ها اگرچه تا حدودی موفق هم شدند و حتی به جنگ‌هایی هم میان مسلمانان انجامیدند اما کشورهای اسلامی به مرور از این موج‌ها فاصله گرفتند و امروز اثر این امواج تا حد زیادی از بین رفته است.

۲- جمهوری اسلامی ایران در این سال‌ها سیاست خردمندانه‌ای را در پیش گرفته است. صبوری ایران در برابر اعوجاج‌های منطقه‌ای و عفو برادرانه اقداماتی که بعضی از دولت‌های منطقه علیه ایران به راه انداختند و نثار کمک‌های ویژه به آن دسته از کشورهای منطقه که گرفتار بلیه‌های امنیتی شده بودند، بدون آنکه از اعطای این کمک‌ها چشمداشتی داشته باشد، فضای جدیدی نسبت به ایران پدید آورده است.

ایران در طول این سال‌ها نشان داد کشوری قدرتمند است و مخالفت و حتی دشمنی غرب با آن نمی‌تواند از قدرت آن بکاهد. پیشرفت‌های شـــگرفت علمی و تکنولوژیک ایران در کنار تلاش اقتصادی داخل به گونه‌ای که کشور علی‌رغم فشارهای شدید غرب دچار به‌هم‌ریختگی نشود، هرگونه انتظار مخالفان را برای عقب راندن ایران از منطقه از بین برده است. از سوی دیگر قدرت نظامی رو به رشد ایران هرگونه امید به امکان حمله نظامی خارجی به جمهوری اسلامی را منتفی کرده و جسارت ایران در دفاع از خود در برابر قدرت نظامی آمریکا هرگونه موفقیت برنامه خارجی علیه ایران را به یأس مبدل کرده است. بر این اساس هر روزه در نشریات و خبرگزاری‌های بزرگ غرب، اعتراف به قدرت و اقتدار ایران منعکس می‌شود. ایران در بعد توانایی نظامی توانسته است کشورهای دوســـت خود در منطقه را نجات دهد و ثبات را به آنان بازگرداند. پس در یک کلمه ایران و قدرت آن در منطقه به رســـمیت شناخته شده و هرگونه انتظار تغییر نظام سیاسی ایران و یا تغییر سیاست‌های بنیادی آن را منتفی کرده است. این سرمایه مهمی برای جمهوری اسلامی است و حالا وقت آن است که نظام یک گام مهم برای ارتقاء موقعیت سیاسی و... منطقه بردارد.

۳- زمزمه لزوم همکاری با ایـــران و برقراری روابط فعال با آن در میان کشورهای عربی به گوش می‌رسد. در منطقه خلیج فارس هفت دولت عربی وجود دارد که حداقل پنج دولت آن شـــامل عراق، قطر، کویت، عمان و یمن خواستار حل و فصل مسایل میان کشورهای عربی منطقه و ایران هستند و این در حالی است که «امارات متحده عربی» نیز علی‌رغم فشار شدیدی که از سوی دولت سعودی متوجه آن بوده، به حفظ روابط با جمهوری اسلامی اصرار دارد. در این میان فقط دو دولت سعودی و بحرین مخالف بهبود روابط کشورهای عربی با ایران هستند.

در طول سال‌های گذشته این باور در دستگاه دیپلماسی ایران وجود داشته که بدون بهبود روابط با عربستان، امکان فعال‌سازی روابط ایران با حوزه عربـــی وجود ندارد. در واقع در این انگاره کلید روابط ایران با کشورهای عربی جنوب خلیج فارس به ریاض سپرده شده است! البته در طول این دوران، ایران با دولت‌های قطر، امارات، کویت، عمان، عراق و یمن روابط داشته اما این روابط -به جز در مورد عراق- عمدتاً در روابط سیاســـی محدود مانده و عملاً در ارتقاء مناسبات اقتصادی و فرهنگی میان ایران و این کشورها کاری صورت نگرفته است.

نگاه به تجربه روابط ما با حوزه عربی به ما می‌گوید وقت آن است که از یک‌سو انگاره روابط عربی با اجازه ریاض را کنار بگذاریم و از سوی دیگر به روابطی چندوجهی و متنوع بیندیشیم که هم برای ایران و هم برای کشورهای عربی منطقه راهگشا باشد. برای عبور از شرایط فعلی باید با کشـــورهای یادشده ابتدا وارد مذاکرات دوجانبه شویم و ضمن تشریح وضعیت منطقه، در زمینه‌های مختلف به توافق برسیم و پس از آن یک اجلاس مشترک ایران- عربی را در یکی از کشورهای یادشده برگزار کنیم و در مورد روابط جمعی به توافق برسیم. این کار امکان‌پذیر است. ما باید بدانیم که شرایط ذهنی این کشورها پس از شکست‌های پیاپی آمریکا در منطقه تغییرات مهمی کرده و وضع رژیم صهیونیستی در داخل سرزمین‌های اشغالی آنان را به جمع‌بندی‌هایی رسانده است وگرنه اگر با محاسبات سابق بود فشار ویژه رئیس‌جمهور سابق آمریکا به این کشورها برای آشکارسازی روابط با رژیم صهیونیستی اکثر این کشورها با تل‌آویو به توافق رسیده بودند. بنابراین با نگاه به وضع منطقه و اعتباری که ایران از طریق راهبرد مقاومت کسب نموده است، می‌توانیم روابط جدیدی را با حوزه عربی داشته باشیم. بهبود روابط ایران و این کشـــورها و تبدیل قطب‌بندی‌های عربی-ایرانی به قطب‌بندی امنیت دســـت‌جمعی در مقابل باج‌خواهی غرب می‌تواند نتایج مهمی در پی داشته باشد و برای همه کشورها مطلوب تلقی شود:

- بهبود روابط عربی با ایران و خروج از روابط تک‌بعدی و دستیابی به روابط در جنبه‌های مختلف، می‌تواند به جنگ کنونی علیه یمن خاتمه دهد. امروز هیچ کشـــور عربی در منطقه نیست که روش عربستان را کمک‌کننده به امنیت منطقه بداند. همه کشـــورهای عرب منطقه -به جز دولت سعودی- علاقه دارند این جنگ به سرعت به پایان برسد.

- روابط ایران با کشـــورهای عرب جنـــوب خلیج فارس می‌تواند اختلاف میان این کشورها را کاهش دهد و از سوی دیگر برای مقابله با پدرخواندگی سعودی بر این کشورها و مهار رفتار ریاض به کشورهای مذکور کمک نماید. این کشورها در سال‌های گذشته هزینه‌های زیادی بابت قرار گرفتـــن در جبهه‌ای عربی مقابل ایران پرداخته‌اند و این در حالی است که بنا به اظهارات متعدد مقامات ارشد این کشورها، هیچ دلیلی برای این دشمنی نداشته‌اند. روابط فعال ایران با پنج کشور عربی اختلافـــات میان آنان و دولت‌های دیگر را کاهش می‌دهد و این نتیجه برای همه مردم در منطقه شیرین است.

بقیه در صفحه ۱۱

عراقچی:

علاقه‌ای به تماس مستقیم با آمریکا نداریم مذاکرات جدید نخواهیم داشت

معاون سیاســـی وزیر امور خارجه گفت: هیچ تماســـی با دولت بایدن نداشته‌ایم و هیچ قصدی هم برای این کار نداریم.

ســـید عباس عراقچـــی، معاون سیاســـی وزیـــر امـــور خارجـــه در گفت‌وگویـــی با روزنامـــه ایتالیایی لارپوبلیـــکا درباره انتقـــال قدرت از دولـــت ترامـــپ به دولـــت بایدن و حمله طرفداران ترامـــپ به کنگره خاطرنشـــان کرد: ما موضع خاصی در برابر این انتقـــال قدرت بین دو دولت نداریم. فقط منتظریم ببینیم رئیس‌جمهـــور جدید آمریکا چگونه می‌خواهد مواضع اشـــتباه ترامپ را تصحیح کند. آنچه در جریان حمله بـــه کنگره دیدیم باعـــث طرح این سؤال می‌شـــود که آیا واقعاً همین آمریکاست که می‌خواهد به دنیا یاد بدهد «حاکمیت قانون» و دموکراسی چیست؟

عراقچی افزود: آنچه در واشنگتن اتفاق افتاد چهره واقعی دموکراسی آمریکایـــی را به ما نشـــان می‌دهد. اکنون روشـــن شـــده که آنها هیچ حقی ندارند که به هیچ‌کس در دنیا بگویند که مشکلات سیاسی در خانه خودشان را چگونه حل کنند.

وی درباره بازگشت دولت بایدن به برجام و تقاضاهای ایران که سؤال خبرنگار بود اظهار داشت: درخواست ایران واقع گرایانه است و عبارت است از اینکه آمریکا تحریم‌ها را بردارد و به توافق هسته‌ای بازگردد. من آلترناتیو (جایگزین) دیگـــری نمی‌بینم. ما با حسن نیت مذاکره کردیم و با حسن نیت به برجام عمل کردیم.

معاون وزیر خارجه اضافه کرد: دیگر نوبت دولت جدید آمریکاست کـــه اشـــتباهات دولت پیشـــین را جبران کند. برای بازگشت به توافق هسته‌ای، باید تمام تحریم‌ها را لغو کنند. مـــا آماده انجام تمام تعهدات ذیل برجام هســـتیم به شرطی که آمریکایی‌ها هم به تعهدات خود عمل کنند و تحریم‌ها را بردارند.

بـــه گـــزارش فـــارس، عراقچی در پاســـخ بـــه این پرســـش که آیا تماس‌های محرمانه‌ای با دولت جدید آمریکا داشـــته‌اید؟ گفت: خیر. هیچ تماسی نداشته‌ایم و هیچ قصدی هم برای آن نداریم. طبیعتاً منتظریم که کاملاً در پست‌های خود قرار بگیرند و متعاقباً دســـت به کار بشوند. فعلا هیچ علاقه‌ای به هیچ تماس مستقیم نداریم و فکـــر می‌کنیم که برجام قالب صحیحی اســـت و گفت‌وگوها باید در قالب آن انجام شود.

وی در پاســـخ به این سؤال که بســـیاری چون وزیران امور خارجه فرانســـه و آلمان، فکر می‌کنند که موضوعات جدید مانند موشک‌های قدرتمند ایران نیز باید در مذاکرات جدید برجام گنجانده شـــود. پاسخ شـــما چیســـت؟ تصریح کرد: هیچ برجام پلاس، هیچ توافق جدید، هیچ مذاکرات جدید در مورد برجام وجود نخواهد داشت.

موشـــک‌های ایران تنهـــا ابزار دفاعی مطمئن برای ایران هستند و در مورد این مسئله هیچ مذاکره‌ای وجود ندارد. در مورد دیگر موضوعات، همه چیز بســـتگی به این دارد که برجـــام چگونـــه اجرا خواهد شـــد. در مـــورد امنیت خلیـــج فارس این موضوعی اســـت که می‌تواند بدون مداخلات خارجی، موضوع گفت‌وگو بین کشورهای منطقه باشد. امنیت منطقه می‌توانـــد به‌صورت جمعی مورد بحث قرار بگیرد.

پاسخ رئیس‌دانشکده پزشکی دانشگاه بقیه‌الله(عج) به معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تهران:

لااقل یک‌بار متن کاملا مستدل و علمی بیانیه و اسامی ۲۵۰۰ پزشک متخصص را بخوانید

رئیس‌دانشـــکده پزشـــکی دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) در نامه‌ای سرگشاده به ادعای معاون آموزشـــی دانشگاه علوم پزشکی تهران که اصالت نامه ۲۵۰۰ پزشک متخصص درباره خطرات احتمالی واکسن آمریکایی و انگلیسی را زیر سؤال برده بود، پاسخ داد.

حدود دو هفتـــه پیش بیش از دو هزار و ۵۰۰ نفر از پزشـــکان، اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور طی نامه‌ای سرگشاده به رئیس‌جمهور ضمن تبیین مسئله واکسن آمریکایی و انگلیســـی، متذکر شـــدند واکســـن‌های **mRNA** تولید شرکت «فایزر» و «مادرنـــا» می‌تواند عوارض ناشناخته و گاه جبران‌ناپذیری به‌جای بگذارد. درپی انتشـــار ایـــن نامه، دکتر امیرعلی ســـهراب‌پور، معاون آموزشی دانشـــگاه علوم پزشـــکی تهران اصالت این نامه را زیر ســـؤال برد و مدعی شد امضاکنندگان این بیانیه واقعی نیستند. دکتر محمـــد رئیس‌زاده، فوق تخصص جراحـــی عروق، عضـــو هیئت علمی و رئیس‌دانشـــکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) در نامه‌ای به این ادعا پاســـخ داد و نوشت: «در بین همه بزرگوارانی که بیانیه ۲۵۰۰ نفر را امضا کرده‌اند من ناقابل غیر واقعی! هم بودم، همکلاسی شما هفت ســـال و نیم در کنار هم، در دانشگاهی که الان معاون آموزشی آن هســـتید، درس خواندیم، من رتبه ۲۴ آزاد منطقه ۲ کنکور سال ۷۳ بودم و احتمالا رتبه شما هم همین حدود بود، کامـــلا واقعی و نه مجازی، باهم فارغ‌التحصیل شـــدیم و سپس ۸ سال در دانشـــگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، در بیمارستان شهدای تجریش دوره‌های سخت جراحی عمومی و فوق تخصص جراحی عروق را، کاملا واقعی! گذراندم و شما هم همزمان، دوره داخلی و فوق تخصص گوارش در همان دانشگاه تهـــران را. و امـــروزه نمی‌دانم به کدام جرم، مرا پزشکی غیرواقعی و سیاسی که به طرفداری یک نظریه، لشکرکشی می‌کنم! نـــام نهادید. از من بگذریم آیا اساتید و بزرگانی چون دکتر مرندی و و دکتر سیم‌فروش و دکتر کلانتر معتمد و دکتر اسماعیل اکبری و دکتر حسین قناعتی ودکتر شهرام علمداری و دکتر جعفر اصلانی... هم پزشک غیر واقعی و سیاسی هستند که لشکرکشی می‌کنند؟ شما اگر فرد ناشناسی مثل دکتر علی نیک جو یا پرویز الیاســـی بودید، حتما از کنار توییتتان می‌گذشتم و فرصتی برای پاسخ دادن نمی‌گذاشتم. اما دوست خوب من! شما معاون محترم آموزشی بزرگ‌ترین دانشگاه علوم پزشکی کشور هســـتید! کاش همان دکتر سهراب‌پور پـــاک و علمی و صمیمـــی و مودب و متدین ذهن مـــن بمانید. لااقل یک‌بار متـــن کاملا مســـتدل و علمی بیانیه و اسامی امضا کنندگان را بخوانید. وگرنه باید مجـــدد توییت بزنید و خانم دکتر محرز اســـتاد دانشـــگاه خودتان را هم پزشکی غیر واقعی و سیاسی بخوانید. چون دیدم ایشان هم استدلالهای کاملا علمی و منطقی آن بیانیه را قبول دارند و همانگونه نظر دادند.»

گفت و شنود

برف میاد!

گفت: یکی از مدعیان اصلاحات در مصاحبه با روزنامه زنجیره‌ای اعتماد گفته است؛ اگر یک نظامی رئیس‌جمهور بشود «بحران‌های قومی تشدید خواهد شد»!

گفتم: حالا بر فرض که یک نظامی رئیس‌جمهور بشود، چرا بحران‌های قومی پدید بیاید و تشدید بشود؟!

گفت: ایشان گفته اســـت «زیرا آنها استدلال می‌کنند که چرا دولت مرکزی مسلح باشد و ما نباشیم»؟!

گفتم: مگر وقتی یک غیر نظامی رئیس‌جمهور شود، دولت مرکزی مسلح نیست؟! و مگر نیروهای نظامی در سراسر کشور حضور ندارند؟! این دیگر چه استدلالی است؟!

گفـــت: با این حرف‌هایِ درپیتـــی و صدمن یک‌غاز می‌خواهند مطرح باشـــند! وگرنه بعید است موضوعاتی به این سادگی را درک نکنند شاید هم از بس دنبال حاشیه‌سازی بوده‌اند، فرصت چند ورق مطالعه و چندرغاز تفکر را نداشته‌اند!

گفتم: یارو در قطب شمال با دوتا اسکیمو برخورد کرد و ازشون پرسید؛ سواد دارید؟ گفتند نه! پرسید؛ چرا؟ گفتند اینجا همیشه برف میاد و مدرسه‌ها تعطیله!

واعظی: قوانینی را که قبول نداریم ابلاغ هم نمی‌کنیم!

رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور گفت: اگر مراحل تصویب یک قانون، از نظر رئیس‌جمهور دارای اشـــکال باشـــد، قطعـــا رئیس‌جمهـــور نمی‌خواهد در آن شـــریک شود و رئیس‌مجلس می‌تواند قانون را ابلاغ کند.

محمـــود واعظـــی، رئیس‌دفتـــر رئیس‌جمهور، در پاسخ به سؤالی مبنی براینکه واکنش شما به شکایت جمعی از نمایندگان مجلس از رئیس‌جمهور به دلیل استنکاف از اجرای ۱۳ قانون مصوب مجلس چیست؟ گفت: آقای رئیس‌جمهور بر اساس وظیفه قانونی خود باید از قانون اساسی صیانت کند، بنابراین اگر مراحل تصویب یک قانون، از نظر وی درســـت طی نشده باشد یا برداشت معاونت حقوقی رئیس‌جمهور این باشد که‌اشکالی در کار [یک مصوبه قانونی] اســـت، قطعـــاً رئیس‌جمهور نمی‌خواهـــد در این موضوع شـــریک باشد.

رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور افزود: در این شرایط، قانون راهکار و ساز و کاری را مشخص کرده که اگر رئیس‌جمهور [به یک مصوبه قانونی] اشـــکالی دارد، رئیس‌مجلـــس می‌تواند قانون را ابلاغ کند.

وی با بیان اینکه این کار قبلاً هم انجام شده است و مختص این دولت نیست، گفت: این مسئله در دولت‌های نهم و دهم به مراتب بیشتر بوده و در دولت‌های قبل از آن هم بوده است و موضوع جدیدی نیست.

واعظی تاکید کرد: مجلس فعلی کارهایـــی انجام می‌دهـــد که بدعت محســـوب می‌شـــود اما وقتی چیزی تبدیل به قانون شد ما به قانون احترام می‌گذاریم و اجرا می‌کنیم.

رئیس دفتـــر رئیس جمهـــور خاطرنشان کرد: بنابراین در اینجا دو بحث مطرح است. بحث اول تشریفاتی اســـت که طی آن رئیس‌جمهور باید یک قانون را ابلاغ کند و دیگری اجرای قانون است.

واعظی گفت: آقای رئیس‌جمهور کاری (ابلاغ قانون) که اشکال داشته اســـت را انجام نداده امـــا در موضوع مربوط به اجرای قانون، قطعاً قانون را اجرا خواهد کرد.

گفتنی اســـت، اخیـــراً جمعی از نمایندگان مجلس با تدوین نامه‌ای در قالب ماده ۲۳۴ آئین‌نامه داخلی مجلس از رئیس‌جمهور به دلیل اســـتنکاف از ابلاغ ۱۳ مصوبه قانونی شکایت کرده‌اند.

به گزارش مشـــرق، ایـــن قوانین عبارتند از «قانـــون حمایت از آمران بـــه معروف و ناهیـــان از منکر، قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران، قانون رســـیدگی بـــه دارایی مقامات، مســـئولان و کارگـــزاری جمهـــوری اسلامی، قانون اصلاح قانون سنجش و پذیرش دانشـــجو در دانشـــگاه‌ها و مراکز آمـــوزش عالی کشـــور، قانون احکام دائمی برنامه توسعه کشور، قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قانون الحاق مـــوادی به قانون آئین‌نامـــه داخلـــی مجلس شـــورای اســـلامی، قانون دائمی شـــدن قانون مجازات اســـلامی، قانـــون الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمین حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش، قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۸۲) قانون آئین‌نامه داخلی مجلس شـــورای اســـلامی، قانون موافقتنامه خدمات (سرویس‌های) هوایی دوجانبه بین دولت جمهوری اســـلامی ایران و دولت کشور کویت، قانون الزام دولت به پرداخت یارانه کالاهای اساســـی و قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران»

خبر ویژه

آفتاب یزد: اصلاح‌طلبان در دولت روحانی کاسبی کرده‌اند

روزنامه اصلاح‌طلب آفتاب یزد می‌گوید؛ حق با رئیس دفتر رئیس‌جمهور است که گفته اصلاح‌طلبان باید ممنون روحانی باشند.

مدیر مســـئول این روزنامه در ســـرمقاله‌ای نوشـــت: محمود واعظی رئیس دفتر رئیس‌جمهور طی ۸ سال گذشته سخن غیردقیق زیاد گفته اما بخشی از سخنان وی که در واکنش به اظهارات صادق خرازی بود تقریبا درست است. نیازی به پرداختن به سخنان خرازی نیست؛ به هرحال بخش اعظم جریان اصلاحات با توجه به کارنامه پر غلط دولت حسن روحانی تلاش دارند به جامعه القاء نمایند ارتباطی با دولت او ندارند.

جامعه، اصلاح‌طلبان را باعث و بانی روی کار آمدن حســـن روحانی می‌دانند و در عالم واقع نیز چنین است. گردانندگان ستادهای انتخاباتی روحانی در سال‌های ۹۲ و ۹۶ چه کســـانی بودند و کدام فعالین رسانه‌ای بازوی پروپاگاندای این ستادها بودند؟ اصلاح‌طلبان در این دولت نقش پررنگی داشـــتند و دارند. غیرممکن است این جریان بتواند دولت روحانی را سه طلاقه کرده و به کناری نهد!!

به هر حال یک بخش از ســـخنان محمود واعظی قابل اعتنا بود. او گفته اســـت: «آنها (اصلاح‌طلبان) با نگاهی به گذشته ببینند قبل از این دولت چه شرایطی داشتند و فعالیت‌هـــای آنهـــا در چه حدی بود. این دولت همفکران آنها را در اســـتانداری‌ها و سمت معاونت وزیر به کار گرفت و امروز به‌جای تشکر، طلبکار هم شدند و حرف‌های بی‌ربط می‌زنند و الان که زمان انتخابات شـــده در پی یک ســـری حرف‌های بی‌پایه و اساس هستند.»

به هر حال یار غار حسن روحانی قصد داشته هم منتی بر سر اصلاح‌طلبان بگذارد و هم به جامعه بگوید این جریان نیز در چگونگی خروجی این دولت نقش داشته و آن‌طور که خودشان می‌گویند نیست؛ یعنی کنار گود نیستند بلکه داخل گود و اتفاقا پست و مقام‌های مهمی هم داشته‌اند. به نظر نگارنده سخن واعظی نزدیک به صواب است. اگر در ایران شـــفافیت وجود داشت و نهادهای مختلف پشت شیشه‌ها و در برابر دیدگان مردم بودند، می‌شد آمار دقیقی استخراج کرد که چقدر از پست‌ها در این دولت از آن اصلاح‌طلبان بوده و چقدر به صورت کلی این جریان از حضور دولت روحانی منتفع شده است. به صورت تحلیلی باید اذعان کرد که فعالین جریان اصلاحات طی ۸ سال گذشته در جای جای دولت حضور پر رنگ داشتند و اتفاقا تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز نیز بوده‌اند.

بیایید منصف باشیم شاید برخی این ادعا را نقض کنند اما غیرقابل انکار است که در دو دولت روحانی، به اندازه قابل اعتنایی فعالین سیاسی اصلاح‌طلب منافع سیاسی و اقتصادی داشـــته‌اند و دارند. حتی بازوهای رســـانه‌ای اصلاح‌طلبان نیز که در ستاد رئیس‌جمهور حضور داشتند از این موضوع جدا نیستند و آنان نیز مثل فعالین سیاسی این جناح بهره کافی و وافی برده‌اند و می‌برند.

برخی از فعالان سیاسی جریان اصلاح‌طلب نیز که به دلیل برخی محدودیت‌های قضائی و حقوقی نتوانسته‌اند به صورت رسمی وارد دولت شوند به صورت غیررسمی و اصطلاحا پروژه‌ای به هدف‌های سیاسی و اقتصادی خود رسیده‌اند.

اینکه این روزها برخی زمزمه‌ها شنیده می‌شود مبنی بر اینکه حتی اصلاح‌طلبان حاضر هستند در صورت لزوم از علی لاریجانی حمایت کنند صرفا به این جهت است که میز و صندلی و ایضا حق مشاورهها و پروژه‌ها قطع نشود. متاسفانه باید اذعان نمود جریان اصلاحات گروگان مطامع برخی فعالین این جریان است. آنان که به نام اصلاح‌طلبی در حال کاسبی هستند و این روزها دلواپس اتمام این کاسبی هستند. ای کاش آن دسته از اصلاح‌طلبان واقعی که این موضوعات را لمس کرده‌اند وارد میدان می‌شدند و فکری به حال تتمه آبروی این جریان می‌نمودند.

ادعای طرفداری از سیاست خارجی را باور کنیم یا خروج از حاکمیت را؟!

روزنامه اصلاح‌طلب می‌گوید وزیر خارجه چون مجری اســـت و نه سیاســـتگذار، بنابراین نباید به او اعتراض کرد.

اعتماد ضمن گفت‌وگو با محمدجواد ظریف، در سرمقاله خود به قلم عباس عبدی نوشـــت: وزیر خارجه نماینده حکومت و کشور و نه فقط دولت در تعامل با کشورهای دیگر است، به همین علت این اشتباه فاحشی است که گمان شود سیاست خارجی را وزیر خارجه تعیین می‌کند. سیاست خارجی راحکومت تعیین می‌کند و نه وزیر خارجه. وزیر خارجه در درجه اول مجری این سیاست است.

در واقع می‌توان گفت مثل جنگ است که اصل سیاست جنگی به عهده رهبران سیاسی اســـت، نظامیان فقط مسئول اجرا و انجام عملیات جنگی هستند. اگر نقد و اعتراضی به آنان می‌شـــود درباره اصل جنگ یا صلح نیست، بلکه درباره تاکتیک‌های جنگی و نیز ارایه اطلاعات و تحلیل‌های بهنگام است. این گزاره‌های بدیهی به عللی از جمله رقابت‌های سیاســـی زیان‌بار، در ایران نادیده گرفته شده است. وزیر خارجه باید بیشترین حمایت را در داخل داشته باشد، در حالی که مشاهده می‌کنیم، بدترین حملات از جانب بخشی از ساختار سیاسی علیه او صورت می‌گیرد. حملاتی که عموما ربطی به انجام اختیارات او نداشـــته است. اگر وزیر خارجه وظایف خود را در اجرای سیاست خارجی درست انجام نداده باشد، به طور طبیعی باید مراجع بالادستی او علیه او اقدام کنند، ولی اگر به کلان و راهبرد سیاست خارجی کشور اعتراض وجود دارد آن را نباید متوجه وزیر خارجه کرد. باید افراد و نهادهای دیگر را مخاطب قرار داد. از گفت‌وگوی روزنامه با وزیر خارجه می‌توان دریافت که کارشکنی داخلی علیه سیاست خارجی کشور بسیار زیاد بوده است. متاسفانه این کارشکنی‌ها از طریق عوامل مرتبط با قدرت داخلی انجام شده است. ولی درباره انجام وظایف وزارت امور خارجه این کارشکنی‌ها باید جرم محسوب شود، زیرا همان طور که در گفت‌وگو هم آمده، هزینه بسیار زیادی را بر جامعه و مردم ایران تحمیل کرده است.

متاسفانه مخالفان سیاست خارجی کشور چون نمی‌خواهند به اصل راهبرد سیاست خارجی بپردازند، آن را متوجه وزیر خارجه کرده و سپس به او حمله می‌کنند. این عدم شفافیت موجب می‌شود که وزیر خارجه نیز اعلام کند که از خودش و موقعیت داخلی‌اش هزینه می‌کند، بلکه مشکلات ایران در روابط خارجی کمتر شود.

در نقد این نوشته گفتنی است نویسنده در حالی پشت «سیاست خارجی کشور» پنهان می‌شـــود و مخالفان آن را تخطئه می‌کنند، که خود قبلا با ژســـت «خروج از حاکمیت» و «دعوت به استعفای دولت» (مشابه کاری که بعثی‌ها در عراق و فالانژیست‌ها در لبنان کردند)، هویت خود را بر ملا کرده است.

اما فارغ از هویت نویسنده، باید از روزنامه اعتماد پرسید آقای ظریف و تیمش کجا سیاست خارج نظام را اجرا کردند، وقتی در مذاکرات برجامی، اعتماد به آمریکا و امضای دولتمردان آنها را ترویج می‌کردند؟ مگر معاون ظریف نگفت امضای کری تضمین است و مگر مرحوم هاشـــمی از قول آقای ظریف اعلام نکرد که وزیر خارجه آمریکا به وزیر خارجه ما قول داده که لغو نشـــدن تحریم‌ها پس از برجام را جبران کند؟ این اعتماد بلاوجه چه نسبتی با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشت؟

اگر وزارت خارجه، سیاست‌ها و راهبردهای کلان نظام را مراعات می‌کرد، ضرورتی نداشـــت نظام (رهبری، شورای عالی امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی) ۲۸ شرط برای اجرای مشروط برجام ابلاغ کنند. اما متأسفانه وزارت خارجه همچنان که در خود مذاکرات، خط قرمزهای منافع ملی را رعایت نکرده و توافقی نامتوازن (نقد- نسیه) را پخت و پز کرده بود، پس از اجرای نامتوازن توافق هم تا به امروز، آن ۲۸ شرط را مراعات نکرده است. مغالطه گل درشت آقای «خروج از حاکمیت» این است که غلط‌کاری‌ها و ندانم‌کاری و انحرافات وزارت خارجه را پای نظام می‌نویسد و آن‌گاه منتقدان را مخالف سیاست خارجی نظام جا می‌زند!

اغلب اعضای تیم بایدن طرفدار مداخله‌جویی نامبارک هستند

یک نشـــریه آمریکایی با بررســـی تیم سیاست خارجی بایدن تأکید کرد این تیم تغییری در سیاست خارجی آمریکا ایجاد نمی‌کند.

نشنال اینترست نوشت: آنهایی که امیدوارند ریاست جمهوری جو بایدن با تفکر جدیدی درباره سیاست خارجی و پذیرش بیشتر مفهوم خویشتنداری همراه باشد، خیلی زود ناامید خواهند شد. بیشتر گزینه‌های رئیس‌جمهوری منتخب برای سمت‌های اصلی دفاعی و سیاست خارجی، افراد دولت اول باراک اوباما هستند. انتخاب مجدد آنها توسط دولت جدید نشان می‌دهد که این جناح از حزب دموکرات تصور می‌کند سیاست خارجی تا پیش از آنکه دونالد ترامپ «انزوا طلب» موقعیت آمریکا را در جهان برهم بزند، هیچ مشـــکلی نداشته است. بدین ترتیب، هدف غایی این گروه احتمالاً بازگشت شرایط به پیش از دولت ترامپ خواهد بود.

اما واقعیت این است که وقتی اوباما کاخ سفید را ترک کرد، همه چیز در رابطه با سیاست خارجی ایالات متحده خوب و خوشایند نبود و با وضعیت مناسب فاصله زیادی داشت. دولت اوباما نه یک مداخله نظامی، که سه مداخله فاجعه‌بار را در لیبی، سوریه و یمن آغاز و سرتاسر خاورمیانه را بیش از هر زمان دیگری دچار هرج و مرج کرده بود. اوباما و اعضای دولت او همچنین با حمایت از سرنگونی ویکتور یانوکویچ، رئیس‌جمهوری منتخب و طرفدار روسیه در اوکراین، به روابط واشنگتن و مسکو آسیب شدیدی وارد آوردند. بسیاری از افراد مورد نظر بایدن از طرفداران این ماجراجویی نامیمون بودند.

بایدن شخصاً درباره مأموریت‌ها در جهان اسلام بسیار محتاط بود. او از مخالفان سرسخت تصمیم به سرنگونی معمر قذافی در لیبی به شمار می‌رفت و اوضاع غم‌انگیز بعدی در آن کشـــور، نشـــان داد که حق با او بوده است. بایدن همچنین درباره سلطه عناصر تندروی اسلام‌گرا بر شورش علیه دولت بشار اسد نگرانی داشت. زمان ثابت کرد که بایدن حق داشت و آمریکا و متحدانش در پشتیبانی از شورشی‌های سوری مرتکب اشتباه شدند. بن رادز، معاون مشاور امنیت ملی اوباما، نیز در جایی گفته که بایدن «تنها مقام ارشد در دولت اوباما» بود که به طور مداوم با اعزام نیروهای بیشتر به افغانستان مخالفت می‌کرد. اما بایدن در رابطه با سیاست ایالات متحده در قبال اوکراین و روسیه از چنین حس غریزی ارزشمندی برخوردار نبود. در حقیقت، همانطور که اسناد فاش شده نشان دادند، بایدن از فرد تعیین شده برای جانشینی در کی‌یف حمایت می‌کرد.

در حالی که به نظر می‌رســـد بایدن درباره سیاست خارجی دیدگاه‌های متفاوتی دارد، ا